

جنگ تریاک در افغانستان

نویسنده - (Alfred W McCoy)

پروفسور تاریخ در: University of Wisconsin-Madison . امریکا
برگر دان: محمد عارف عرفان

مسایلی که تا کنون از انظار اکثر ناظرین سیاسی بدور مانده است، عبارت است از گيرافتیدن اداره بارک او با ما در یک چرخشگاه بی پایان "مرگ" و "مواد مخدر" در افغانستان بوده که برای آن نه آشکارا راه خروج و نه به سهولت راه پان دیده میشود.

بعد از یکسال مباحثات احتیاط آمیز و جای پرهزینه نیروهای مسلح، آقای او با ما در 13 فبروری سال روان استراتژی جدید جنگی خویش را در یک ساحه دور دست در «مارکیت شهری» ما رجه در حوزه جنوبی افغانستان یعنی ولایت هلمند براه انداخت. طوریکه شمار زیاد هلیکوپترها در حومه مارجه دیسانت گردید و در میان برانگیختن انبوهی از گرد و خاک، صد ها تن از سر بازان ارتش امریکایی از بالای زمین های خشخاش بسوی حصار های "گلی" که در خود صد ها لایه توار تولید هیروین را پنهان نموده بود سرازیر گردیدند

بعد از یک هفته نبرد قوماندان نظامی ایالات متحده امریکا، جنرال مک کریستال با همراهان خویش، معاون رئیس جمهور افغانستان و والی هلمند به منظور جلب توجه رسانه ها در مورد استراتژی جدید نظامی، و تسلط حاکمیت در قراء دور دست کشور مثل "ما رجه" به سرعت نمایان گردید.

قوما ندا نان امر یکای که در یک متینگ وملا قات احتیاط آمیزدو صد نفری که با خشم واعتراض رو ستایان وتحدید شان در موردبر نا مه زدایش کشت خشخاش موا جه شده بودند بطورعجیبی ازاینکه ما رجه با داشتن صد ها لابراتوار هیروین در میان منا زل که بطورمنظم پروسس خشخاش وتولید هیروین را پیش میبرد و لقب " پایتخت هیروین " جهان را به خود تخصیص داده است ، بیخبرجلوه مینمودند . رویهمرفته مزارع مربوط به هلمند "40" فیصد تولیدات خالص تریاک جهان را احتوا نموده که تجارت مقدارزیاد این محصولات در ما رجه صورت می گیرد . چنانچه یک کارمند سفا رت ایالات متحده امریکا درکابل که ساحتی مورد نظرا مورد تفتیش قراردادخاطرنشان ساخت : « شما بدون مهار ساختن تولیدات هیروین در هلمند ، به جنگ پیروز نخواهی شد » .

به سلسله واکنش های قبلی پیرامون موضوع خشخاش ، مشاور امنیت ملی ایالات متحده امریکا **James L Jones** به خبرنگاران اطمینان داد که آقای او با ما تلاش خواهد نمود تا آقای کرزی را برای اولویت بخشیدن مبارزه درجهت مبارزه با فساد وتجارت مواد مخدرکه به منزله ما شین اقتصادی برای شورشیان میباشند ، تشویق نماید .

با توجه به عکس العمل زارعین ما رجه در برابر قوماندان عمو می ایالات متحده امریکا وبرهم زدن پروگرام خبری اش ، این محصولات خشخاش آنها بوده که برای مدت 30 سال ، تمام رژیم ها در افغانستان سرنگون نموده است . در جریان " جنگ مخفی " سیادرسال های 80 ، این تریاک بود که به تا مینکننده وجوه مالی مجاهدین مبدل شده واتحادشوروی را مجبور به خروج ساخت وباعث سقوط نظام طرفدار شوروی در افغانستان گردید .

دراواخرسالهای 1990 ، حینیکه گروه طالبان نیروی خویش را دراکثرنقاط کشورچیره نموده بود ، چا

نس مشرو عیت خویش را در برابر جوا مع جهانی به علت حمایت آن گروه از تولید و تجارت مواد مخدر و مفا دیرا که از این معاملات بدست می آوردند ، از دست داد. و بعدا بطور عجیبی ، زما نیکه بر عکس جریان قبلی ، زرع خشخاش را ممنوع ساختند ، فقط چند ماه بعد از آن از قدرت سا قش شدند.

بعد از مدا خله ایا لات متحده امریکا در سال 2001 در افغانستان ، تشدید معاملات تریاک در کشور ، حا کمیت کابل را فاسد نموده و در عین زمان با عث تقویت نیروی طا لبان و کنترل بیشترشان در ولایات کشور شده است ؛

با ید گفت که تداوم جنگ های مستمر در افغانستان با عث رشد بیرحمانه محصولات تریاک در کشور گردیده چنانچه میزان محصولات که در سال 1979 بالغ بر 250 تن بود ، در سال 2007 به 8200 تن ارتقا نمود . که در حال حاضر 50% محصولات ناخالص ملی را احتوا نموده و 90% هیروین جهان را تولید و تحیه میدارد؛

در سالهای اخیر فارم های خشخاش که هر گاه از یکسوبتعداد «500000» فامیل افغان را که تقریبا 20% نفوس کشور را در بر می گیرد ، تغذیه نموده ، در عین زمان با عث ایجاد بنیاد مالی برای طالبان نیز شده که شبکه های آنها از سال 2006 در اطراف کشور توسعه یافته است.

سوالی را که وا شنگتن طی «9» سال اخیر از آن طرفه رفته است با ید پرسیده شود که آیا کسی بطور تمام عیار " کشور مخدر " مثل افغانستان را آرام خواهد توانست ؟

جواب این سوال جدی ، مرتبط است به تاریخ سه جنگ افغان که وا شنگتن طی 30 سال اخیر در آن درگیر بوده است. جنگ مخفی سیا در سالهای 1980 ،

جنگ های تنظیمی سا لها ی (1990 که در آغاز بو سیله سیا 900 میلیون دالر هزینه ما لی گر دید) ، و تجاوز و اشغال افغا نستان بو سیله امریکا در سال 2001 و کمپا ین مبا رزه با تروریزم ؛

در هر یکی از این جنگ ها ، ایا لات متحده امریکا ، تجارت مواد مخدر را با متحد ین افغانی خود ، به قیمت پیروزی نظا می خویش ، همراهی نموده است . البته پا لیسی ملایم که اکنون افغانستان را به کشور غیر یک مواد مخدر در جهان مبدل نموده است ؛

تو سعه مزارع خشخاش که بو سیله جنگ مخفی سیا عیله اتحاد شو روی در افغا نستان آغاز یافت ، به حیث نیروی کلیدی در سیا ست افغا نستان در جنگ مخفی سیا علیه اتحاد شو روی و سر انجام در برخی از عملیات های مخفی در نوار کو هستانی آسیا که سا حات « 8000 » کیلو متر را از ترکیه تا تا یلند احتوا مینماید ظاهر گر دید ؛

در اوا خر سا لها ی 40 زما نیکه جنگ سرد نیرو می گرفت ایا لات متحده امریکا ، برای بار اول آزمایش مخفی را در شکم " کمو نیسم آسیائی " بکار برد . پس از آن برای مدت 40 سال جنگ های مو فقا نه را در این نوار کو هی در سال 1950 در برما « میانمار » در سال 1960 در لائوس و افغا نستان در سال 1980 بسر رسا نید . در یک تصادم مشهور تا ریخی ، کشور کمو نیستی چین و اتحاد شو روی در عین نوار کو هستانی این زون تر یاک بطور همزمان قرار گرفتند که پای " سیا " را در میان متحدین مشکوک و جنگ سا لاران پر قدرت منطقه می کشا نید .

جنگ اول وا شنگتن علیه افغا نستان در سال 1979 ، زما نیکه اتحاد شو روی بر افغا نستان تجاوز (!) نمود وسیعی کرد تا رژیم مار کسیستی (!)

را در کابل حمایت نماید، آغاز گردید. در کابل فرستی برای اداره ریگن پدیدار گردید تا انتقام خویش را از دشمن دوران جنگ سرد خود ستانیده و بدینوسیله اداره ریگن بطور نزدیک با دیکتاتور پاکستان در یک کمپاین ده ساله سیاهکار نمود تا شوریها را از افغانستان خارج نماید؛

این هر چند برخلاف سایر جنگهای سرد، عملیات مخفی بود، اما قبل از همه، تصادم عملیات مخفی سیاه و جنگ اتحاد شوروی، باعث ویرانی محیط شکننده کشور کوهستانی و خساره مند ساختن جبران ناپذیر زراعت عنعنوی و رشد تجارت جهانی مواد مخدر گردید. سازمان سیاه برخلاف سالهای جنگ در کشورهای لائوس و ویتنام که جنگ مخفی را در اختیار خود داشت، اینبار سازمان سیاه قسمت زیاد عملیاتهای خویش را به سازمان استخباراتی پاکستان «آی اس آی» محول نمود که به زودترین فرصت به نیروی بزرگ و متحدجنجال برانگیز مبدل گردید؛

زمانیکه «آی اس آی»، هوادار خویش حکمتیار را به حیث رهبر عمومی مقاومت در جنگ علیه شوروی پیشنهاد نمود و اشنگتن با چنین الترنیف اظهار مواظقت کرد که در جریان 10 سال آینده سازمان سیاه حدود دو بلیون دالر برای مجاهدین افغان از طریق «آی اس آی» تدارک نمود که البته نصف آنرا برای حکمتیار کسیکه بنام شرارت پیشه و بنیادگرا، و تیزاب پاش بر روی دختران دانشگاه کابل و قاتل رهبران مقاومت اپوزیسیون شهرت یافته بود اختصاص داد؛

زمانیکه عملیات سیاه در ماه می 1990 دچار اشکالات گردید، و اشنگتن پست در سر مقابل خویش منتشر ساخت که حکمتیار عملیات شبکه لایبرار توار هیروین را در داخل پاکستان تحت حفاظت «آی اس آی» به پیش میبرد.

هر چند این سالها، در اواسط سالهای 1970 قا بلیت تولید اندک هیروین رابه خود اختصاص نموده بود، اما جنگ مخفی سیا به حیث "کتلیست" ساحه مرزی" افغانستان - پاکستان" را به منطقه بزرگ هیروین جها نی مبدل نمود، طو ریکه جنگ جویان مجاهدین ساحات عمده را در داخل افغانستان در اواسط سالهای 1980 تصرف نمود، ایشان جمع آوری تکس " انقلابی " خشخاش را از طریق دهه قین هوا دار خویش آغاز نمودند؛

زمانیکه جنگجویان افغان تریاک را در نوار مرزی انتقال نمودند، آنها تریاک متذکره را برای لابراتوارهای هیروین که تحت حفاظت " آی اس آی " فعالیت مینمودند بفروش میرسانیدند. میان سالهای 1981-1990 تولید تریاک افغانستان به مقدار ده برابر رشد نمود واز مقدار 250 تن به «2000تن ارتقا یافت. فقط پس از دو سال حمایت مخفی "سیا" از جنگجویان افغان، دادستان کل ایالات متحده امریکا در سال 1981 اعلام داشت که پاکستان به منبع تامین کننده 60% هیروین شهروندان امریکا مبدل شده است. در ساحات اروپا و روسیه هیروین " افغان - پاکستان" ، به زودی بخش اعظم ما رکیتهای منطقه را به خود جلب نموده ودر حالیکه در داخل پاکستان تعداد معتادین به رقم صفری خویش در سال 1979 قرار داشت، فقط پنج سال بعدتر، این رقم به 1.2 میلیون تن ارتقا نمود.

بعد از سرما یه گذاری 3 بلیون دالر برای ویرانی افغانستان، واشنگتن در سال 1992 افغانستان را ترک کرد ودر عقب خویش یک افغانستان ویرانه را با یک میلیون کشته، 5 میلیون مهاجر و حدود 10-20 میلیون ماین زمینی، تا سیسات ویران، اقتصاد ور شکسته، جنگ سالاران مسلح

قبا یلی که آماده جنگ با هم در را بطه با کنترل پا یتخت اند ، بجا گذاشت .حتی زما نیکه بلا خره وا شنگتن هزینه جنگ مخفی سیا را درپا یان سال **1991** قطع نمود ،اما " آی اس آی" پا کستان تلاش نمود تا از جنگ سا لا ران محلی مورد نظر خویش حمایت نموده تا اهداف دایمی خویش را برای برقراری رژیم مورد نظر در کابل تعقیب نماید ؛

تریاک سا لا ران ، " اژده ها دندا نان " جنگ جویان دوران سا لهای **90**، جنگ سا لا ران بیرحم محلی با امکانات سلاح و تریاک ، در یک توپخانه شیطنت آمیز ، به حیث بخشی از مبارزه بیرحمانه برای قدرت ، همه پدیده های بودند که مثل که این " اژده ها دندا نان " مانند افسانه های باستانی در خاک افشانه شده بودند و قادر بودند تا بطور ناگهانی در میان هر نوع ارتش مجهز جنگ جویان ، کسانیکه با شمشیر جنگ از زمین پدید آمده بودند ، پرش نمایند .

زما نیکه سرانجام نیروهای مقامات شمال کابل را از تصرف رژیم کمونست (!) که مدت سه سال پس از خروج نیروهای شوروی مقامات کرد ، بیرون نمود ، پا کستان هنوز هوا دارخویش حکمتیار را حمایت مینمود . وی توپخانه جنگی خویش را در اطراف شهر مزار شریف شده کابل بجا نمود ، که باعث قتل **50** هزار افغان دیگر گردید ، اما با آنهم ، تناسب این کشتار بزرگ و تاریخی ، نتوانست تا سرنوشت حکمتیار این بنیادگرایی بدنام را برآورنگ قدرت در کابل تسجیل نماید ، لذا « آی اس آی » نیروی جدیدی را بنام طالبان مسلح ساخت که در سپتامبر سال **1996** کابل را تصرف نمودند تا محض با نیروهای اتحاد شمال برای مدت پنج سال در دره های شمالی پا یتخت جنگ نمایند ؛

در جریان این جنگ به ظاهر پا یان نا پذیر ، جناح های رقیب بطور عمده بر توپخانه تریاک تکیه نمودند تا هزینه جنگ را عمدتاً با از دیاد

میزان دو برابر تر یا کم یعنی ارتقای 4600 تن در سال 1999 تدارک نمی‌یابد. در جریان دوده جنگ و 20 برابر افزایش میزان تولید مواد مخدر، افغانستان خود به آهستگی از کشور دارای سیستم متعدد زراعتی، مالداری و باغداری و تولید بیش از 60 نوع محصولات زراعتی، به اولین کشور که اقتصاد اش محض بر یگانگی مواد نامحاصل مخدر متکی گردید، انتقال یافت؛ و محیط شکننده انسانی اش بطور بیسابقه ویران گردید؛

رژیم طالبان پس از تصرف قدرت در سال 1996 با عث تشویق زرع خشخاش در سراسر کشور گردیدند، که در این رویکرد حجم تولید تر یا کم را دو چند ساخته و آنرا به 4600 تن معادل 75% هیروین جهان افزایش بخشیدند. رژیم طالبان با ارائه سیگنالهای حمایت‌شان از تولیدات مواد مخدر به جمع آوری 20% مالیات از تولید سالانه تر یا کم مبادرت نموده که بدینوسیله حدود «100 میلیون دالر» سالانه نفع برداری مینمودند.

در جریان سالهای 1990، افزایش میزان محصولات تر یا کم در افغانستان، باعث تجارت قاچاق بین المللی گردید که حوزه آسیای مرکزی، روسیه و اروپا را به مالروکیت سلاح، مواد مخدر و مالروکیت "پول قاچاق"، پیوست ساخت. این پدیده همچنان باعث وقوع شورش‌های قومی در ساحه 5000 کیلومتری از مناسط ازبکستان در آسیای مرکزی تا بوسنیا در حوزه بالکان گردید؛

مگر در جولای سال 2000 میلادی رهبر طالبان بطور نامتوجهانی فرمان قطع کامل کشت خشخاش را به منظور کسب شناسای حکومت اش از جانب کشور های جهانی صادر نمود، که بطور قابل ملاحظه عمده تا شب هنگام، رژیم طالبان با کاربرد ستم بیرحمانه یعنی رویش‌های را که به آن شهرت

داشت ، بکار برد تا اینکه محصولات تریاک را از میزان 94% به 185 تن کاهش داد . اما در نتیجه با توجه به اینکه بخش های بیشتر افغانستان به سیستم مالیاتی خشخاش، عواید صادراتی و مشاغل کاری به آن وابسته شده بود ، در عمل ممنوع ساختن کشت خشخاش حکم " خودکشی اقتصادی " را داشت که قبلاجا معه ضعیف افغانستان را به پرتگاه سقوط کشتا نیده بود . در واقع این یک سلاح اشتباه آمیزی بود که ایالات متحده امریکا از آن در هنگام عملیات نظامی اش در اکتوبر 2001 ، خوب استفاده نمود که در نتیجه رژیم بدون تریاک قبلا به گلوله توپ میا نتهی یی مبدل شده بود که به انفجار نخستین بمب های امریکای متلاشی گردید .

برگشت سیا ، تریاک و فعالیت های ضد دهشت انگیز برای شکست طالبان پس از حادثه یازده سپتمبر ، باعث شد تا " سی آی ای " بطور موفقا نه توانست تا جنگ سالاران سابق و تاجران هیروین را سازماندهی نموده تا شهرها و قصبهات را در مناطق شرقی افغانستان تصرف نمایند . به عبارت دیگر سازمان سیا و متحدین محلی آن موقعیت ایده آل را برای بازگشت مجدد تریاک و احیای مجدد قاچاق مواد مخدر که در زمان طالبان منع شده بود ، ایجاد نمودند . فقط چند هفته بعد از سقوط طالبان ، ما مورین ، از فوران کشت خشخاش در هلمند « قلب هروین » و ننگرهار خبر دادند .

بعد از سر مایه گذاری مبلغ 3 میلیارد دلار برای ویرانی افغانستان در هنگام جنگ سرد ، واشنگتن و متحدین اش حالا برای احیای مجدد ، جهت تامین فوند مالی به اقدام خسیسانه و محسکانه مبارزت ورزیده ، چنانچه در کنفرانس " توکیو " در سال 2002 ، دو نران بین المللی تنها تا

دیه مبلغ 4 میلیارد دالر را از رقم 10 میلیارد دالرمورد ضرورت برای باز سازی افغانستان طی جریان پنج سال ، مورد تصویب قرار دادند ،

علاوه برآن مبلغ 22 میلیارد دالر پول مصرفی ایالات متحده امریکا طی سالهای 2003-2007 ، به طور سریع به بخش های فعالیت های نظامی چرخش نمود که بطور نمونه تنها مبلغ 237 میلیون دالر از مجموع کل پول متذکره در بخش زراعت تخصیص یافت . (طو ریکه درعراق مقدار هنگفت از هزینه ساختمانی درکیسه قرار دادیان خارجی ودالان داخلی شان سرازیر گردید) .

تحت چنین شرایط هیچ کس نباید تعجب نماید که درجریان سال اول تجا وزامریکا برافغانستان ، تولیدات تریاک افغانستان به 3400 تن ارتقا نمود . در جریان 5 سال دو نران جا معه جها نی با ید مبلغ 8 میلیارد دالر برای احیای مجد افغانستان کمک می نمودند ، در حالیکه تولید تریاک دو برابر این مبلغ افزایش نمود ، ومبلغ 14 میلیارد دالرمستقیمادراقتصاد روستای بدون تصرف آن از جانب متخصصین غربی وحکومت بیرو کراتیکه کابل داخل گردید .

بعد از 5 سال اشغال افغانستان بوسیله امریکا ، تولیدات مواد مخدر افغانستان ، به یک تناسب بی سابقه ارتقا نموده است ، در اگست 2007 ملل متحد راپور داد که ساحه محصولات تریاک حدود 20000 هکتار را تحت پوشش قرار داده است البته ساحه که بزرگتر از تمامی ساحه مورد زرع کواکب در امریکای لاتین است . از مقدار 185 تن در آغاز تجاوز امریکا در افغانستان ، این رقم به 8200 تن تریاک ارتقا نمود که 53% محصولات ناخالص ملی و 93% هیروین جهان را در بر

میگیرد؛ که به این طریق افغانستان به صورت واقعی به اولین "کشور مخدر" جهان مبدل گردید. هر گاه ترا فیک کو کا ین در کشور کولمبیا 3% عواید ناخالص ملی را احتوا نموده و آن را به یک کشور ضعیف و شرارت‌پایان‌ناپذیر، با "کارتل‌های نیرومند که قادر اند تا حکومت آن کشور را به فساد گسترده آغشته نمایند، پس‌حالا ما باید عواقب تاثرات آنرا در کشور افغانستان که بیش از 50% محصولات کاملاً اقتصادی کشور را دربرمیگیرد به سنجش بکشایم؛

در ماه مارچ در یک کنفرانس مواد مخدر در کابل، رییس فدرال سرویس مواد مخدر کشور روسیه تخمین کرد که میزان ارزش محصولات تریاک در افغانستان در حال حاضر به «65 میلیارد دالر» تقا نموده که از جمله آن مبلغ بزرگ تنها 500 میلیون آن به کیسه‌دها قین، 300 میلیون آن به کیسه‌جنگ‌جویان طالب و «64» میلیارد دالر آن به جیب‌مافیای مواد مخدر سرازیر شده که بدینوسیله منبع بزرگ مالی را تدارک‌جسته تا حکومت کرزی را با ملتی که محصولات ناخالص ملی‌شان تنها 10 میلیارد دالر است به چالش کشیده، به فساد آغشته نماید.

در حقیقت تاثرات معاملات تریاک‌چنان‌سرایت بخش است که بسیاری ما مورین افغان، از رهبران محلی گرفته تا رییس پولیس کابل، تا وزیر دفاع و برادر رییس‌جمهور آقای حامد کرزی در تجارت آن درگیر شده‌اند. این فساد چقدر سرطانی و فلج‌کننده است که بطور گریزناپذیر براساس تخمین اخیر ملل متحد، افغان‌ها از پرداخت مبلغ «2.5» میلیارد دالر رشوه (برای ما مورین حکومت - م) رنج می‌برند. بطور نه‌چندان تعجب‌انگیز تلاش‌های اخیر حکومت برای قلع و قمع تریاک از طریق ملل متحد مورد سوءظن واقع شده است، چنانچه ملل

متحد آنرا « معا ملات فساد میان صا حبان زمین
، سران محلی وتیم نا بود سازی » نا میده است :

بعد از ریکارد محصولات در سال 2007، تولیدات تر
یاک در حقیقت طی سال گذشته از رقم 8200 تن به
6900 تن کاهش نمود (هنوز با لاتر از 90% تو
لیدات تر یک در جهان) . تحلیلگران ملل متحد
این رقم کاهش 20% را به تلاش های محو سازی کشت
خشخاش نسبت داده که به احتمال قوی عوامل اصلی
آن از اشباع کا مل هیروین در ما رکیت های
جهانی نشئت نموده که از ارتقای رشد سر سام
آورتو لید تر یاک در افغانستان سر چشمه گرفته
و باعث تنزل 34% نرخ آن در ما رکیت های جهانی
شده است ؛ حتی با اینهم با وجود این کاهش،
تولید تر یاک افغانستان با لاتر از میزان تقا
ضای جهان که براساس تخمین ملل متحد سا لانه
5000 تن میباشد ، احراز موقعیت نموده است؛

را پور های مقدماتی سال 2010 در خصوص تولید
تر یاک افغانستان که زرع آن ماه آینده آغاز
می یابد ، مبین آنست که مشکل مواد مخدر در افغا
نستان رفع شدنی نیست . برخی از ما مورین ایا
لات متحده امریکا که از نزدیک "قلب تر یاک" در
هلمند را بازدید نموده اند، از علامت توسعه کشت
خشخاش در آن ولایت سخن میرا نند. حتی متخصصین
ملل متحد که تداوم کاهش مواد مخدر در افغانستان
را پیشبینی نموده بودند اکنون نسبت به این تمایل
، چندان خوشبین بنظر نمی رسند .

قیمت مواد مخدر در افغانستان ممکن برای مدت چند
سال کاهش نماید اما قیمت محصولات گندم
و دیگر محصولات عمده ممکن بیشتر و سریعتر از آن سقوط
نموده و خشخاش به حیث پرمفعت ترین محصول برای
داهقین بی بضاعت افغانستان باقی خواهد ماند .

برای پاییان بخشیدن چرخش مرگ و مواد مخدر با اینهمه نیروهای "اژدها دندان" که در خاک افغانستان قرار دارد، چنان مینماید که واکنشگتن در میان این چرخ بی پاییان مرگ و مواد مخدر گیر مانده است. هر بهار سال در میان کوه های بزرگ و مرتفع، برف ها ذوب میشوند، دانه های خشخاش جوانه میزنند و نیروهای تازه نفس طالبان به مزایع می ریزند، تعداد زیاد بوسیله آتش مرگبار توپخانه امریکای ها جان می سپارند، سال بعد برف ها دوباره آب می گردند. خشخاش های تازه بر زمین می رویند و نیروهای جوان طالب علیه امریکای ها سلاح بر میدارند، که خونریزی زیادی را در قبال میداشته باشد. این چرخ برای مدت 10 سال مکررا در چرخش بوده است و تا اینکه تغییرات عمده بوقوع نپیوندد این سناریو تا لایتناهی سیر خواهد نمود.

منبع : آسیا تا یمز- مورخ اول اپریل 2010